

رهیافت میان رشته ای در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی

حسین حشمتی مولایی¹

چکیده

این مقاله بر اساس روشهای موثر آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی مبتنی بر نظام میان رشته ای² بحث می نماید. در این مقاله ابتدا ضرورت و اهمیت این روش را در اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده و سپس روشهای غیر رشته ای معمول را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم، به این ترتیب، براساس یک پژوهش میدانی که بر اساس نظرات اساتید اقتصاد اسلامی جمع آوری شده است و نظرات و علایق مختلف مربوط به موضوع اقتصاد اسلامی در آن متمرکز شده است، نتایج مورد مقایسه، بهره برداری و استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین با توجه به پیشنیازها و ارتباطات مختلف کاربردی اقتصاد اسلامی در جنبه های مختلف براساس رهیافتی میان رشته ای، می توان سطح آموزشی و پژوهشی اقتصاد اسلامی را هم برای دانشجو و هم برای مدرس اقتصاد اسلامی ارتقاء بخشید. توجه به آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی به عنوان فرآیندی میان رشته ای، با توجه به تازگی و قدرت نوآورانه آن می تواند تحریک در سایر علوم ایجاد کرده و علاوه بر نوعی الگوسازی، موتور محرکه ای برای رشته های علوم انسانی باشد.

در این مقاله کوشش خواهیم نمود که با استفاده از تمرکز علایق گروهی با توجه به نتایجی که بر اساس احترام به همه نظرات مدرسین و محققین مربوطه صورت گرفته، موضوع را بررسی نموده و نهایتاً پیشنهادهایی را ارائه کنیم.

واژگان کلیدی: میان رشته ای، رهیافت هنجاری، رهیافت اثباتی، چند رشته ای، چند رشته ای موازی، تمرکز علایق گروهی، کارکرد اجتماعی، اصول موضوعه

¹ - عضو هیات علمی موسسه عالی بانکداری ایران (Ret.MF)، مدرس و پژوهشگر در دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی و

پژوهشی **Email: heshmatimail@gmail.com**

Interdisciplinary Method in Islamic Economics' Resaerch and Education

Abstract

In this paper we discuss about effective method of research and education of Islamic economics through inter-disciplinary procedure. Nowadays this procedure in advance methodology of education in economics has been concentrated as “*Focused Interest Group*” (FIG).

Although the purpose of positivist economists about FIG is related to profit-oriented of inter-disciplinary procedure, but in Islamic economics, this attitude has sustainable economic development, whereby secure and cover positive as well as normative approach of educational materials to help certain efficiency of knowledge.

This procedure of education had been focused in Islamic literatures, and also in holy Qur'an (12/108 & 39/17-18) before attention of western countries. Therefore, in this research, significant view of scholars, lecturers and researchers of Islamic economics, acquired through questioners, and the results of research has been analyzed.

Achieving prerequisite and diversity connections of Islamic economics' and its indispensable educational materials, help us to modeling an inter-disciplinary framework that it may mutate other human sciences structure.

Keyword: Inter-disciplinary, Normative approach, Positive approach, Multidisciplinary, Trans-disciplinary, Focused Interest Group, Social function, Axioms

آموزش و پژوهش در علوم اقتصادی در گذشته و نیز تا حدود زیادی در حال حاضر صرفاً به انتقال مجموعه ای از یک دانش سازمان یافته که آثار یک نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای مصرفی، تولیدی و توزیعی برای فرد، دولت و جامعه را بررسی می نماید، محدود می شود. این آموزه در چارچوب و برنامه ای برآمده از یک رهیافت رشته ای⁴ با ساختاری مشخص و عموماً بر اساس روش شناسی اثباتی⁵ و برآمده از مفاهیم، روشها و فرآیند آموزشی معمولاً ترجمه شده از متون رایج در کشور های غربی مورد عمل قرار می گرفت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحقق یک نظام سیاسی غیر سکولار دینی، این تفکر که می توان در شئون معرفتی و فلسفه اقتصاد نیز به یک نظام علمی مبتنی بر اصول دینی دست یافت به شدت مورد استقبال متفکرین حوزوی و دانشگاهی قرار گرفت. اگرچه این تفکر حتی قبل از انقلاب اسلامی نیز توسط بسیاری از متفکرین مسلمان دنبال می شد ولی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پژوهشهایی که در جستجوی این دکتترین خاص از علم اقتصاد بودند، چه در داخل ایران و چه در کشور های مسلمان، شمارگان قابل ملاحظه ای پیدا نمود.

در ابتدا تصور می شد که این دانش را به راحتی می توان توضیح داد و به همین دلیل تعداد قابل ملاحظه ای کتاب و مقاله در باب طه با اقتصاد اسلامی منتشر شد ولی با توجه به ورود سریع و بدون برنامه، تنها برخی از این کتابها و نوشته ها می توانست ره آورد متناسب و مرتبطی از اقتصاد اسلامی داشته باشند.

بدیهی است یک علم بدون اتکاء به اصولی موضوعه (Axioms)، حتی از یک قضیه ساده نیز نمی تواند دفاع نماید و این مسئله اگر چه مورد توافق اکثر خبرگان علم اقتصاد قرار داشت لکن این خبرگان، حداقل به دلایل زیر موفق به ارائه نظرات خود در تحقق علمی اقتصاد اسلامی و ارائه آن در محافل علمی نشدند.

³ - لازم است از نظرات ارائه شده در مورد این مقاله، در نهمین نشست تخصصی محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی که به دعوت پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس تشکیل گردید، به خصوص آقای دکتر عادل پیغامی و سایر محققین و اساتید محترم سپاسگزاری نمایم.

⁴ - Disciplinary Approach

⁵ - Positive Approach

یک دلیل ، وابستگی شدید محافل علمی به یافته های جهان سکولار بود و معمولاً کسانی که قادر به ارائه این دکترین بودند بسیار محدود بود زیرا این تخصص نیازه تسلط بر مبانی عقیدتی اسلامی ، و نیز اشراف کامل به نظام اقتصاد اثباتی متداول داشت و علاوه بر آن نوعی نوآوری و خلاقیت را طلب می نمود . ولی تعداد کسانی که شرایط فوق را داشتند نه تنها اندک بلکه بسیار استثنایی بود و حتی در صورت ظهور چنین کسانی موانع بسیار پیچیده اداری و خطر اتهام به گرایشهای شرقی و غربی می توانست مانع پاگیری چنین تفکری گردد. در عین حال با توجه به این که چنین دکترینی می توانست رقیبی جدی در برابر منافع جهان سکولار باشد، و خطری به مراتب سهمگین تر از خطر دستیابی به سلاحهای نظامی را برای جهان سکولار تداعی می نمود ، ساده انگاری خواهد بود اگر تصور شود که این تفکر به سادگی امکان گسترش علمی پیدا می نمود.

خوشبختانه بجراهای اخیر جهان سرمایه داری ، و عملکرد با ثبات نهادهای اقتصاد اسلامی حتی متفکرین و مقامات بلند پایه اقتصادی غرب را به اعتراف نسبت به کارایی این دکترین اقتصادی وادار نمود ⁶ و بنابر این به نظر می رسد با ظهور و شیوع اینترنت ، فضای حرکت برای اقتصاد دانان اسلامی گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد زیرا اکثر اقتصاد دانان اثباتی بنا به فطرت انسانی خود نسبت به درک حقیقت عنادی ندارند و یک امر واقعی را بدون تسری قضاوتهای ارزشی نامربوط ، بجز درک می کنند و می توان انتظار داشت که بر خلاف دولتمردانشان ، دوستان خوبی برای درک و تایید آتی دکترین اقتصاد اسلامی باشند.

امروزه فلسفه آموزش و پژوهش اقتصاد بیشتر از آنچه در گذشته مطرح بود توسعه یافته و رویکردهای جدیدی مورد استفاده قرار گرفته که در آنها عقلانیت انسانی صرفاً درنفع طلبی شخصی خلاصه نمی شود و خوشبختانه در رهیافت جدید علوم اقتصادی بنظر می رسد ، انسانی موضوع بررسی است که واجد هم مختصات انسانی است.

به این ترتیب در این رهیافت ، واقعیتها و نیازهای دنیای جدید همزمان با هنجارهای فطری و جاری انسانی در فراسوی ساختار یکسویه نگر رهیافت سنتی رشته ای مورد جستجو و پژوهش قرار می گیرد و جزئی نگری به تدریج اعتبار و کارایی علمی خود را در دانشگاههای بزرگ دنیا از دست می دهد

French News, (2008/07/22): French economy minister wants to promote Islamic finance to attract Gulf-based investment which is currently flowing to London. - ⁶

(حاجی یوسفی، 1388). این مسئله به خصوص در رشته اقتصاد اسلامی در دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی (محمد و روزیتا، 2005) که بعداً در مورد آن بحث خواهیم نمود قابل تأیید است.

به طور کلی رهیافت‌های غیر رشته ای، بر خلاف تصور اولیه برخی از صاحب نظران، معایر با تخصصی شدن و تقسیم علوم انسانی و علوم اقتصادی نیست بلکه تخصصی شدن گرایش‌های علم اقتصاد، مثل تخصص اقتصاد اسلامی و سایر تخصصها زمانی با موفقیت فضای علمی را اشغال می کند که یک دانشجو یا پژوهشگر در روند تخصص گزایی، علاوه بر پیشنهاد علمی کافی نسبت به رشته های مرتبط، هدف علمی موضوع مورد بررسی را نیز به خوبی درک نموده و در فرایند تکمیلی، پتانسیل، و توشه اطلاعاتی و علمی لازم را همراه داشته باشد. این در حالی است که عناصر اصلی آموزشی، یعنی محتوی، فرآیند و ارزشیابی باید نسبت به حالت سنتی متحول شود (حشمتی، 1359).

امروزه رویکرد غیر رشته ای در علوم انسانی و نیز اقتصاد در برنامه ریزیهای آموزشی و پژوهشی در اکثر مجامع علمی به صورت میان رشته ای (یانگ بلاد، 2004)⁷ و نیز با توجه به نقش هنجارهای ارزشی در رابطه با توسعه اقتصادی (پل، استریتن، 2007)⁸، مورد تأکید قرار گرفته است و به همین دلیل آشنایی به این رویکرد و ضرورت اعمال آن برای برنامه ریزان درسی بویژه در دانشکده ها و موسساتی که در پی دستیابی به مرزهای جدید و خلق بایسته های خاص در عرصه علوم به ویژه علوم انسانی هستند می تواند نقش مهمی در توسعه عمقی این علوم و بخصوص اقتصاد اسلامی داشته باشد. امروزه این شیوه در روشهای پیشرفته آموزشی و پژوهشی اقتصاد، تحت عنوان "تمرکز علایق گروهی" (FIG)⁹ مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه منظور متفکرین اقتصاد اثباتی از تمرکز علایق گروهی نوعی گرایش سود محورانه معرفتی به دانشهای مختلف مورد نیاز پژوهشگر یا دانشجو است لکن در اقتصاد اسلامی این گرایش در حدی وسیعتر توسعه می یابد بنحوی که با بصیرت علمی همزمان با اشراف به جنبه های اثباتی و هنجاری علم اقتصاد، مفهومی نوین از دانش اقتصادی که آن را اسلامی می خوانیم مشخص می شود. این شیوه آموزشی و پژوهشی قبل از اینکه در کشورهای غربی

7 - Youngblood, Michael J.(2004), An Interdisciplinary approach to teaching Economics: Microeconomics and Sociology, Submitted to The Journal of Economic Education on October 25th, 2004.

8 - paul, Streeten
9 - Focused Interest Group (FIG)

مورد توجه قرار گیرد در ادبیات و متون اسلامی و حتی قرآن کریم مورد عنایت قرار گرفته و در موارد متعددی در نصوص اسلامی، به تعبیری تأکید بر این

رویکرد آموزشی و پژوهشی مشاهده می شود (نگا: قرآن کریم، 12/108 و 17 و 39/18).¹⁰

به همین دلیل در این مقاله با توضیح فرصتها و چالشها در هر یک از رویکردهای غیر رشته ای به بررسی بهترین روش آموزشی و پژوهشی در اقتصاد اسلامی می پردازیم.

1- انواع رویکردهای برنامه آموزشی در اقتصاد اسلامی

بطور کلی رهیافتهای آموزشی و پژوهشی موجود در طراحی برنامه های درسی را می توان در دو دسته رهیافتهای رشته ای و رهیافتهای غیر رشته ای¹¹ تقسیم بندی نمود. رهیافتهای غیر رشته ای نیز خود به شقوق متفاوتی تقسیم می شود که هر یک از این تقسیمات را با توجه به فرصتها و چالشهای آموزشی مورد بررسی قرار می دهیم ، البته برخی از محققین رویکرد غیر رشته ای را با توجه به دلایل خاص خود با طبقه بند یهای دیگری و متفاوتی در نظر گرفته اند ، برای مثال بعضی این تقسیمات را حتی تا حد هشت طبقه¹² و در نوشته هایی حتی بیشتر یا کمتر از آن مورد تفکیک قرار داده اند ، لکن اکثر متفکرین بر سه رویکرد آموزشی یعنی "چند رشته ای"¹³ "فرا رشته ای"¹⁴ و "میان رشته ای" اکتفا نموده اند (درایک، 1993)،

¹⁰ در قرآن کریم (12/108) می خوانیم که :

" قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي اَدْعُو اِلَى اللّٰهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ ... " (بگو: این راه من است. از روی بصیرت و آگاهی [مردم را] دعوت به سوی خدا می کنم...)/ در این حال بصیرت به تعبیری، اشراف بر مفاهیم عرضی و جوهری نسبت به موضوع مورد بررسی است و این بررسی زمانی از اثر بخشی و کارایی بیشتری بر خور دار است که موضوع با تامل در گزینه های مشابه صورت گیرد زیرا قرآن کریم این روش را خرد مندانه تلقی می فرماید :

".. فبشر عباد، الذین يستمعون القول فيتبعون احسنه، اولئك الذین هداهم الله واولئک هم اولوالنبا" (پس بندگان مرا بشارت ده که گفته (ها) را می شنوند و بهترین آنرا برمی گزینند، آنها کسانی اند که خدا هدایتشان نموده و آنان خردمندانند)/ سوره مبارکه زمر؛ آیات 17 و 18

11 - Non-Disciplinary Approach

12 - پیغامی ، عادل، درآمدی بر طراحی برنامه های درسی با تأکید بر رویکردهای تلفیقی، دانشگاه امام صادق (ع)

13 - Multidisciplinary

من، 2000) و (حاجی یوسفی، 1388). در هر حال در این مقاله همین سه رویکرد را مورد توضیح قرار می دهیم و بدیهی است که در رابطه با تعاریف ارائه شده در این مقاله سعی می شود حد متوسط و متعارفی از تعاریف و تقسیم بندیهای مختلف مبنای بحث قرار گیرد.

1-1 - رویکرد چند رشته ای

در این رویکرد رشته های مختلف برای حل مسئله و دسترسی به اهداف مورد نظر با حفظ مبانی و احترام به روشهای یکدیگر نسبت به مفاهیم و بررسی موضوع علمی همکاری می نمایند . این برنامه درسی که برخی آنرا رویکرد رشته ای موازی یا چند رشته ای موازی نیز نامیده اند ، با کنار هم گذاشتن دروس مرتبط ایجاد می شود، در واقع روشی است که در آن هر یک از رشته ها ، مفاهیم ، ساختار ، اصول ، مبادی و روشهای خود و همچنین ترتیب ارائه آنها را بطور کامل حفظ می کند و در عمل تنها شاهد اجرای متوازی دروس مورد نیاز اقتصاد اسلامی و با رعایت نظم منطقی هر رشته ، می باشیم .

در این رویکرد که در حال حاضر شاهد آن هستیم ، مجموعه ای از برنامه های درسی مرتبط با علوم اقتصادی را با هم می توان ملاحظه نمود . به این ترتیب هیچگونه تلاقی و تعاملی از نظر موضوع ، و یا با توجه به مبادی ، مبانی یا روش بین دو یا چند حوزه معرفتی لحاظ نمی شود و صرفاً به ارائه دروس بدون هیچگونه اصطکاک بایکدیگر اکتفا می شود. در این رویکرد به تلاقی و تعاملی که موضوعات و مبانی و مبادی و روشهای دوحوزه معرفتی با هم می توانند داشته باشند، توجه لازم صورت نمی گیرد و تلاش می شود تا همگونی و سازگاری درونی برنامه و محتوای آموزشی ضرورتاً رعایت شود .

به طور کلی باید توجه داشت که هرچند رویکرد چند رشته ای ، رویکردی ساده و به نسبت سایر رویکردها ابتدایی و فاقد ویژگیهای تلفیقی لازم می باشد، ولی نلیید از این نکته غافل ماند که تمامی جریانات و سیاستهای آموزشی غیر رشته ای به ویژه در گام اول و تازمانی که متون ، درسنامه و محتوای آموزشی مشخص و همچنین اساتید لازم جهت تدریس آن کاملاً وجود ندارد، ناگزیر از رویکرد چند رشته ای و موازی حداقل به عنوان اولین حرکت

آموزشی خواهد بود. در حال حاضر شواهد و نمونه هایی از این روش در مراکز دانشگاهی کشور و حتی در دانشگاههای معتبر علمی دنیا در حال اجرا است که البته با چالشهایی که بعداً به آن اشاره خواهیم نمود مواجه می باشد.

با توجه به این که تا بحال نظام حاکم و سنتی آموزش دانشگاهی، نظام رشته ای بوده و مدیران و برنامه ریزان و اساتید خود برآمده از همین نظام می باشند، به همین دلیل طراحی و اجرای این نوع برنامه بسیار ساده است. چرا که در این رویکرد برنامه درسی تغییر اساسی و ماهوی را شاهد نیست، و در عین حال یافتن اساتیدی که حد اقل در یک رشته تخصص کافی داشته باشند سهل تر می باشد.

چالشهایی که این رویکرد آموزشی ممکن است ایجاد نماید، اجمالی است که به علت عدم توضیح ارتباط عمیق و موثر بین رشته ها و مفاهیم در ذهن دانشجو باقی خواهد ماند. در این میان بجز برخی دانشجویان خلاق و یا دانشجویانی که زمینه های قبلی داشته اند، امکان ارتباط بین مفاهیم از عهده اکثر دانشجویان مشکل بوده و احتمال شکست و خطر عدم دستیابی به اهداف آموزشی از سوی یادگیرنده و گرایش او در جهتی معکوس تشدید می گردد.

1-2- رویکرد فرا رشته ای

از نظر برخی متفکرین اصولاً مرزبندی بین علوم مختلف بی معنا و تصنعی است و برای درک علمی لازم است این مرزهای ساختگی را فرو ریخت تا بتوان از مسائل پیچیده جهان درک عمیق تری حاصل نمود (رولاند، 1387). به این ترتیب در این رویکرد آموزشی یک موضوع یا مساله کلی مطرح می شود و همزمان از طریق هماهنگ سازی اصول سازمان دهنده، مبانی، روشها و دیسپلین های مختلف سایر نظام های رشته ای، براساس یک رویه واحد، موضوع یا مساله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این رویکرد آموزشی از نظر فلسفی و نظری و با توجه به آموزش موضوعاتی که از ابعاد مختلف همپوشانی دارند جذابیتی فوق العاده دارد، لکن با توجه به تشتت و وسیع مسائل تجربی، اعتقادی، و انسانی در عمل تقریباً غیر ممکن است. اصل تمرکز رشته های مختلف روی یک مساله کلی است در حالی که مسائل تخصصی رشته های مختلف از روشهای خاص خود باید استفاده نمایند و این امر در صورتی که اساتید اقتصاد اسلامی همگی نوابغی چون ارسطو و ابن سینا باشند شاید عملی باشد ولی با توجه به پراکندگی وسیع علوم، این روش تنها در قالب یک تئوری می تواند مطرح شود.

علاوه بر این همانگونه که گفتیم حتی اگر بتوان اساتیدی با اطلاعات و دانش بسیار وسیع و عمیق در کلیه رشته های مرتبط پیدا نمود که عملاً غیر ممکن است ، در آن صورت نیز ایجاد هماهنگی بین اساتید مشکل و غیر عملی خواهد بود.

نکته دیگری که باید به آن توجه نمود شرط لازم برای چنین برنامه آموزشی و طراحی درسی ، این است که موضوع یا موضوعات انتخابی ، امکان پذیرش از جانب رشته های مختلف را داشته باشد ولی معمولاً همه رشته ها در این رویکرد قابلیت تلفیق اصولی با هم نخواهند داشت . در عین حال با توجه به زمان زیادی که این فرآیند آموزشی طی خواهد نمود نمی توان انتظار داشت که محصول این رویکرد آموزشی تقاضای وسیع بازار را با سرعت کافی پاسخ دهد و عملاً ممکن است باعث سر خوردگی کسانی شود که به امید تکمیل یک دوره آموزشی در زمانی متعارف به این فضای آموزشی وارد شده اند.

1-3- رویکرد میان رشته ای

این رویکرد در واقع حد وسطی بین رویکرد چند رشته ای و فرارشته ای است . در واقع در این فرآیند آموزشی ، تلاش می شود تا با بهره گیری از اصول موضوعه و مبانی شناختی موضوع اصلی که در اینجا اقتصاد اسلامی است ، سایر مباحث مورد نیاز این مبحث را در حیطه بررسی تبادلی و چالشی قرار داد . از یک طرف جذب نقاط مشترک رشته های مختلف می تواند مجموعه ای از مهارتها و فعالیتهای مفید را فراهم و به منظور کارآیی بیشتر دانشجو آنها را در برنامه آموزشی اقتصاد اسلامی سازماندهی کرد. از طرف دیگر می توان با رویکردی چالشی هماهنگی سایر رشته ها را در توازن با اصول موضوعه پذیرفته شده اقتصاد اسلامی برقرار و توجیه نمود . معمولاً در این رویکرد یک مقدمه درسی با همکاری یک متخصص تعلیم و تربیت باید طراحی شود که طی آن یادگیرنده طیف تعریف شده ای از فعالیتهای و مهارتهای شناختی و گرایشی و رفتاری را با توجه به فواید و ضرورت آن قبل از ورود به هر رشته دیگری با یک توالی مناسب کسب کند. به این ترتیب مبحث علمی اصلی در این رویکرد تنها به عنوان یک هدف آموزشی ، سایر منابع و زمینه ها و تجارب مربوط به مجموعه ای از سایر فعالیتهای علمی مرتبط را در خود تحلیل نموده و نقش چارچوب و ساختار مربوطه برای انتخاب آن موقعیتهای را ایفا می کند.

بنابراین در این سازماندهی خاص آموزشی، دانشجویان و محققین هرچند به نظام رشته ای خاصی مقید می شوند ولی موضوعات مهم و مرتبطی را از ابعاد مختلف و در بسترهای مختلف علمی مورد مطالعه و توجه قرار می دهند.

در این روش می توان امیدوار بود که حداکثر ابهام زدایی در ذهن فراگیرنده اقتصاد اسلامی فراهم گردد، زیرا در این رویکرد آموزشی واقعیتی چند وجهی و پیچیده مسائل جهان امروز می تواند به صورتی منسجم و با برنامه آموزشی میان رشته ای ارتباط موثری برقرار نماید.

در عین حال در این رویکرد با توجه به ارتباطات مشترک مطالب، یکپارچگی و انسجام مطالب اصلی حفظ شده و یادگیری بهتر انجام می شود. این امر بنوبه خود باعث می شود تا در زمان دستیابی به اهداف متکثر و چند بعدی آموزش اقتصاد اسلامی نیز صرفه جویی به عمل آید.

البته برخی انتقادات بر این رویکرد آموزشی را در اقتصاد اسلامی نباید نادیده گرفت به طوری که ممکن است این رویکرد موجب نوعی سطحی نگری شود که برای سیاستگذاری اقتصادی و دولتمردان تصمیم ساز چندان مناسب نیست. ولی برای سطوح اجرایی و عملیاتی چه بسا این رویکرد می تواند مفید تلقی گردد زیرا مسئولین در اجرا مرتبا با امور چند جانبه و مرتبط با همه جنبه های اجتماعی، سیاسی و غیره نیز مواجه می باشند، بدیهی است در سطوح علمی بالا تر، مثل دوره های تکمیلی، عمق مطالب در یافت شده این نارسایی را تقلیل خواهد داد.

2- ضرورت رویکرد میان رشته ای برای اقتصاد اسلامی

یکی از مهم ترین ضرورتهای که می توان در رابطه با رویکرد میان رشته ای مطرح نمود، پیچیدگی روزافزون سیستم های اجتماعی و بین المللی است که نیاز دانشجو و بخش آموزشی را وادار می سازد تا با حفظ محوریت اقتصاد اسلامی نگرشی عالمانه نسبت به مسائل و روشهای علمی مرتبط و متعدد دنیای پیرامون خود داشته باشد.

علاوه بر این کارآیی اقتصادی اقتضای می نماید که همزمان با شناخت اقتصاد اسلامی، سیستم های دیگری چون معارف دینی، اجتماعی و حتی تجربی و نیز سیستم های اقتصادی شرقی و غربی را با نگاهی نقادانه مورد تامل قرار داد زیرا این مفاهیم امروزه چنان به هم پیوند خورده اند که رویکرد

رشته ای مجزا و منزوی از آنها به نوعی اشتباه پایه ای و خطرناک و به بروز بدعتها و توهمات کاملاً بی ریشه و آسیب زا در روند توسعه اقتصاد بومی دامن می زنند.

اگرچه جهانی شدن خود در روندی که در حال حاضر دارد ، مورد پذیرش ما نیست، اما در هر روند دیگری که داشته باشد، از جمله در آنچه به وسیله مخالفان کنونی اش مطرح می شود، جز به ادغام و در هم تنیده شدن سیستم های فناورانه اجتماعی و فرهنگ های گوناگون نمی تواند راهی داشته باشد. به همین دلیل و با توجه به امکان اثر بخشی بیشتر نیاز به مطالعات بین رشته ای دائماً افزایش یابد . در واقع با توجه به این رویکرد است و این گونه مطالعات امکان شناخت و درک جهان واقعی و مسائل سایر رشته های آموزشی کنونی فراهم شده و به ما امکان می دهد تا بتوانیم با نفوذ و اشراف بهتری با آن وارد تعامل شده و از منافع اقتصادی که به آن معتقدیم با نگرش موثر تری دفاع کنیم.

به این ترتیب برخی از مزایای رویکرد میان رشته ای در اقتصاد اسلامی را می توان در موارد زیر جستجو نمود.

- اجتناب از زیاد آموزی و کم آموزی و توجه بیشتر به مسائل و نیازهای واقعی اقتصاد اسلامی .
- با تنظیم کردن زمان آموزش مناسب، هزینه های ضروری آموزش کاهش می یابد .
- امکان برنامه ریزی آموزشی برای مشاغل و مناطق را با توجه به امکانات و شرایط بومی فراهم می سازد .
- زمینه مناسبی برای ارتقاء و نوآوری هر فراگیر در دوره های تکمیلی را فراهم می سازد .
- امکان اشتغال فراگیرینده با توجه به علاقه او، پس از طی دوره های آموزشی مربوطه فراهم می شود .
- دانشجویان در این رویکرد بسیار فعالند و آزادی انتخاب برای آنان به مراتب بیشتر از سایر رویکردها است .
- انتقال دانش اقتصاد اسلامی به محیط کار را سرعت می بخشد .
- به تفاوت های فردی توجه عمیقی دارد .
- به واسطه هماهنگ سازی سایر رشته ها با محوریت اقتصاد اسلامی ، جذب و ماندگاری مطالب در ذهن فراگیران ارتقاء می یابد .
- موفقیت و تسلط فراگیران در کسب مهارت ها، بر اساس استانداردی معین ارزشیابی می شود.

3- محورهای شناختی میان رشته ای در اقتصاد اسلامی، مطالعه موردی دانشگاه بین المللی مالزی (IIUM)

شناخت اقتصاد اسلامی با توجه به ماهیت طبیعی و فطری انسان، ناگزیر متکی به آشنایی با سایر رشته های معرفتی مرتبط است. بنابراین ارتباط اقتصاد اسلامی از یک طرف متمایل به روابط اثباتی است زیرا در مقابل واقعیت های طبیعی و زیستی ناگزیر به پاسخگویی به "هستها" است و به مصداق "لامعاد لمن لامعاش له"، باید کارآیی لازم در رفع نیازهای طبیعی را داشته باشد و از طرف دیگر با توجه به حقایق جهان هستی و فطرت ذاتی خود، معتقد و ملتزم به روابط هنجاری و به عبارت دیگر "بایدها" است.

این در حالی است که هر یک از روابط فوق، خود به ارتباطات شناختی و ضروری دیگری مرتبط خواهد بود. روابط اثباتی بنوبه خود مرتبط با شناخت انسانی از قالب های موجود فیزیکی و رفتاری است و به تعبیری می توان آنرا تحت عنوان: "علم الابدان" یا روابطی که در چارچوب اتحاد های جبری و قوانین طبیعی موجود "آنگونه که هست" جستجو نمود، برای مثال میزان کالری و پروتئین لازم برای زنده ماندن در وضعیت طبیعی و یا عملکرد متعارف جامعه در مقابل متغیرهای اقتصادی مثل واکنش متعارف تقاضا یا عرضه در برابر افزایش یا کاهش قیمت، قوانینی معمولاً ثابت است که با توجه به نتایج تجربی می توان بر آنها دست یافت.

از طرف دیگر روابط هنجاری مرتبط با شناخت انسانی از فلسفه وجودی زندگی و نیز روشهایی راهبردی است که "آنگونه که باید باشد"، پاسخهای نحایی به این فلسفه وجودی و نیز قوانین موضوعی را تامین نماید و به تعبیری می توان آنرا تحت عنوان "علم الادیان" یا آگاهی به مکاتب و نظام های مختلف تلقی نمود.

این مسئله را می توان در اکثر موسساتی که به آموزش اقتصاد اسلامی اشتغال دارند مشاهده نمود و با توجه به دروس ارائه شده در پر تجربه ترین

دانشگاهی که مدرک دانشگاهی در این زمینه می دهد، یعنی دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی (IIUM)¹⁵ مورد مطالعه قرار داد.

دانشگاه بین المللی مالزی، در سال 1983 بر اساس اولین کنفرانس آموزش مسلمین که در سال 1977 در مکه برگزار گردید، توسط دولت مالزی

تشکیل شد.¹⁶ با توجه به تجربه 25 ساله این دانشگاه در رابطه با اقتصاد اسلامی تاکنون بسته های آموزشی در 4 زمینه مالی، بین الملل، توسعه و

اقتصاد اسلامی و یک بسته انتخابی شامل دروس مورد علاقه دانشجویو محور های تجربی، راهبردی، انسانی و عقیدتی طبق جدول 1 شماره یک ارائه می شود.

جدول 1- بسته های آموزشی و گرایشهای دروس در رشته اقتصاد اسلامی دانشگاه بین المللی مالزی (IIUM)

بسته آموزشی	تعداد دروس 3 واحدی	گرایش
بخش آموزش اقتصاد مالی	6	تجربی - راهبردی
بخش آموزش اقتصاد بین الملل	6	تجربی - راهبردی
بخش آموزش اقتصاد توسعه	6	عقیدتی - راهبردی - انسانی
بخش آموزش اقتصاد اسلامی	6	عقیدتی - انسانی - راهبردی
دروس انتخابی	6	متفرقه

مسئله مهمی که معمولاً در اکثر برنامه مورد فراموشی قرار می گیرد تفکیک ناپذیری نهایی روابط اثباتی و هنجاری است و اگرچه به منظور تقسیم کار علمی و ارتقاء کارآیی، شناخت انسانی گاهی با تمرکز بیشتر به بخشی از جهات معرفتی گرایش می یابد ولی در تجزیه و تحلیل نهایی، معرفت علمی متکی به همه جهات معرفتی است و در واقع تفکیک مطلق این روابط غیر ممکن است زیرا شناخت اثباتی متکی به انتخاب فضای تجربی است و لی این انتخاب خود معلول ترجیحات اولیه و امری نهایتاً هنجاری است.

این مسئله یعنی تفکیک ناپذیری روابط معرفتی مهم ترین دلیل میان رشته ای بودن اقتصاد و بخصوص اقتصاد اسلامی است. اقتصاد اسلامی در عین حال که با روابط اثباتی و هستهای اقتصادی سروکار دارد، در همان حال متکی به هنجارهایی است که باید بر اساس آن خط مشی ها، برنامه ها و قوانین موضوعه راهبردی را تدوین نماید، برنامه هایی که حتی بدون در نظر گرفتن آن تحقیقات اثباتی نیز ممکن است با اختلال و توقف مواجه شود. به این ترتیب، با توجه به هر یک از این ارتباطات شناختی و ضرورت آن را در اقتصاد اسلامی می توان با تقسیمات مقدماتی زیر و بر اساس نمودار 1، رؤس محوری رشته ها را مورد ملاحظه قرار داد. بدین معنی است با تقسیم مجدد رشته های مرتبط با اقتصاد اسلامی، در مراحل بعدی، شناخت اقتصاد اسلامی با عمق بیشتری حاصل خواهد گردید.

Mohamed,A.H.,Ruzita,M.A.(2005).”Teaching Islamic Economics in Malaysian Universities: Lesson from - 16
Department of Economics.”, 6th International conference on Islamic Economics and Finance , Jakarta

نمودار 1- محور های ارتباطات رشته ای در اقتصاد اسلامی



روابط هنجاری و روابط اثباتی در مرحله اول به ترتیب ناگزیر به شناخت علوم اعتقادی (مثل مبانی عقیدتی و اصولی علم اقتصاد و یا فلسفه اقتصاد) و علوم تجربی (مثل روشهای کمی سنجش ارزشهای اقتصادی و محاسبه تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر) است ولی با تحقق اجتماعی اقتصاد اسلامی به ترتیب علوم راهبردی (سیاستگذاری اقتصادی، برنامه ریزی و تدوین قوانین مرتبط) و علوم انسانی (اخلاق، جامعه شناسی و روانشناسی) از رشته هایی هستند که مطالعه آنها برای پژوهشگر مذکور اجتناب ناپذیر خواهد بود. به این ترتیب هر یک از شقوق فوق را مورد بررسی قرار می دهیم.

3-1- محور اعتقادی

با توجه به ضرورت ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم اعتقادی می توان این ارتباط را در دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

- اول (جنبه فلسفی): دانش اقتصاد مثل همه علوم متکی به اصول موضوعه (Axioms) است که قضایای علمی ثانویه بر اساس آن اصول اولیه شکل می گیرد. بررسی این اصول از نظر تجربی غیر قابل اثبات است و تنها روش بررسی آن مرتبط با روش شناسی فلسفی است. برای مثال نظریه پردازان اقتصاد آزاد و اقتصاد سوسیالیسم و هر مکتب اقتصادی دیگر مباحثی فلسفی را در رابطه با اصول خود مطرح می نمایند.

اقتصاد اسلامی نیزگسترشی از اصول عقاید اسلامی است و پذیرش اسلام و به خصوص اصول آن تعبدی نیست و یک مسلمان باید بتواند بر اساس فلسفه ای که فطرت او آنرا می پذیرد اصول مکتب و نهایتا اصول اقتصاد اسلامی را با استدلالی عقلانی بپذیرد و این مسئله نیازمند تسلطی نسبی بر فلسفه، منطق و علوم کلامی و نیز آگاهی به تطور فکری علم اقتصاد در سایر مکاتب خواهد داشت. به طور کلی علم اقتصاد و در نتیجه اقتصاد اسلامی در سه زمینه اصلی زیر مرتبط با مباحث فلسفی است:

(۱) علم اقتصاد پرسش های اخلاقی مربوط به رفاه، عدالت و آزادی را مطرح می کند.

(۲) علم اقتصاد پرسش های مربوط به رفتار عقلانی انسان را مطرح می کند.

(۳) علم اقتصاد پرسش های روش شناسانه یا معرفت شناسانه مربوط به خصیصه و امکان پذیری دانش پدیده های

اجتماعی را مطرح می سازد.

دوم جنبه فقهی: بخش مهمی از مباحث اقتصادی سیاستگذاری و قانون گذاری اقتصادی است. در نظام های مختلف اقتصادی قانون

گذاری و سیاستگذاری با تکیه به اصول پذیرفته آن نظام ها شکل می گیرد و به این ترتیب روش شناسی تدوین قوانین و سیاستهای کلی در هر

نظام اقتصادی، مبانی و شیوه های خاص خود را دارد. اگر این مبانی را در مکتب اسلامی تحت عنوان فقه تلقی نماییم در این صورت دانشجو

و پژوهشگر اقتصاد اسلامی لازم است که حداقل به طور کلی به این روش شناسی (فقه)، منابع، فرآیند و شکل گیری احکام و مقررات برآمده از

این مکتب، و جایگاه به کارگیری آن در حد لزوم آشنایی داشته باشد.

3-2- محور تجربی

امروزه ضرورت ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم تجربی کاملا مشخص شده است. بسیاری از احکام اسلامی وابستگی مستقیمی به تحولات تجربی

دارند، برای مثال بررسی عواملی که در هر دوره زمانی ممکن است بر روی عرضه ویا تقاضا و نیز سایر متغیرهای اقتصادی تاثیر داشته باشد،

نوع واکنش متغیرهای اقتصادی نسبت به تغییر متغیرهای دیگر نیازمند نوعی بررسی تجربی است که یک سیاستگذار یا برنامه ریز اقتصاد اسلامی

باید کاملا به آن اشراف داشته باشد.

حتی در مسائل فقهی ممکن است يك حکم شرعی در ماهیت خود تغییر کند و به چیزی غیر از آن چه که پیش از آن بوده تبدیل شود. این نوع تحوّل ماهوی در موضوعات و تحولات تجربی و طبیعی که بد توجه به روابط و قوانین تجربی روی می دهد، در فقه تحت عنوان (استحاله) یا (انقلاب) شناخته شده است و با تغییر ماهوی موضوع، حکم آن نیز تغییر می کند، مثالی که معمولا در این مورد مطرح می شود: تبدیل شراب به سرکه است ولی امروزه تحولات پیچیده مسایل انسانی با تکیه به ابزارهای الکترونیکی و روشهای آماری باید مورد بررسی قرار گیرد و بنابر این، یک اقتصاد دان اسلامی لازم است تا مثلا برای دریافت دقیق تر تحولات اقتصادی و اجتماعی مسایل و رویکرد عرفی یک جامعه، بر روشهای استنتاج تجربی مثل آمار و احتمالات و اتحادهای تجربی اقتصادی تسلط داشته باشد.

3-3- محور راهبردی

ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم راهبردی با توجه به جهان پر تحول امروز اجتناب ناپذیر است. به طور کلی سیاستگزاری و برنامه ریزی اقتصادی از یک طرف متکی بر شناخت اتحاد های اقتصادی و از طرف دیگر استفاده از این شناخت در جهت دهی اقتصاد به سمت اهداف راهبردی است.

ممکن است روابط اجتماعی بنحوی تغییر یابد که بدون این که تغییری در ماهیت موضوعات عرفی و طبیعی ایجاد شود، کارکرد اجتماعی همان موضوعات تحوّل پیدا کند. مقصود از کارکرد اجتماعی¹⁷ موارد استفاده ای است که یک موضوع در نظام زندگی اجتماعی انسان دارد. تحوّل در کارکرد يك موضوع، یا بدین صورت است که آن موضوع به طور کلی کارکرد گذشته خود را از دست می دهد و د ارای کارکرد اجتماعی جدیدی می شود و یا این که ضمن حفظ کارکرد گذشته خود و در کنار آن، کارکرد جدیدی را به دست می آورد.

این فرآیند حتی در مسائل فقهی نیز مورد ملاحظه قرار گرفته برای مثال طبق نظر شیخ انصاری در مکاسب¹⁸ و سایر فقهایی که قبلا فتوا به حرمت معاوضه خون می دادند، به این دلیل بود که اصطلاحا، منفعت محلله مقصوده در معاوضه آن وجود نداشت.

¹⁷ - Social function

¹⁸ - انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، مطبوعات دینی، 1366

حال اگر در علوم تجربی ثابت شود که برای خون و سایر موارد نظیر آن منفعت محلله مقصوده وجود دارد و مثلاً می‌توان خون کسی را گرفت و به دیگری تزریق کرد و او را از بیماری یا مرگ نجات داد، در این صورت خرید و فروش خون و موضوعاتی نظیر آن از نظر مبادله اقتصادی محکوم به حلیت است و در اینجا نقش علوم راهبردی در رابطه با کارکرد بسیاری از موضوعات مبتلا به جامعه و تشخیص انتفاعی بودن آن و یا اهمیت آن برای دستیابی به هدف نهایی مکتب و یا نقش آن در جلوگیری از چالش‌هایی که خطر تراجمی برای نظام اقتصادی دارد، برای اقتصاد دان اسلامی ضروری خواهد بود. در این رابطه وضع قوانین موضوعه مثل قانون برنامه و یا سایر قوانین مسلماً در قالب شناخت راهبردی و تشخیص مصلحت نظام باید صورت پذیرد.

3-4- محور انسانی

ضرورت ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم انسانی و انجام مطالعات بین رشته‌ای بین آنها، بر کسی پوشیده نیست. منظور از علوم انسانی، جامعه شناسی، روانشناسی، اخلاق و علوم از این قبیل است که مستقیماً به رفتارهای متعارف انسانی و آسیب شناسی آن مربوط می‌شود. شناخت واکنشهای طبیعی انسان چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی از لوازمی است که اقتصاددان اسلامی به کمک آن قوانین موضوعه و سیاستهای اقتصادی را تنظیم می‌نماید. حتی مدل‌های اقتصادی در اقتصادهای اثباتی ناگزیر به تعامل با رشته‌های انسانی است و بدیهی است تعامل با این محور معرفتی در اقتصاد اسلامی به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در نمودار 2 روابط هنجاری با دو محور معرفتی یعنی علوم فقهی و علوم راهبردی و روابط اثباتی با محوریت علوم تجربی و علوم انسانی موقعیت میان رشته‌ای اقتصاد اسلامی را مشخص می‌سازد.

بدیهی است محورهای معرفتی خود حاوی مباحث تخصصی درسی یا پژوهشی متعددی خواهد بود که امروزه به صورت درسنامه‌های مختلف در دانشگاهها مورد تدریس قرار می‌گیرد، ولی باید توجه داشت که در هر حال چه در اقتصاد اسلامی و چه در اقتصاد متعارف، هر درسنامه به

یکی از محور های معرفتی مربوط است و همان طور که قبلا ذکر گردید ، این درسنامه ها به صورت مباحثی میان رشته ای و در راستای جهت

گیری اقتصاد اسلامی می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد¹⁹.

نمودار 2- محور های معرفتی میان رشته ای اقتصاد اسلامی



4- سنجش ضرایب میان رشته ای در اقتصاد اسلامی پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باتوجه به مطالعات پل استریفن (2007) در رابطه با "چالشهای علم اقتصاد در تاریخ معاصر"، این دانش در حال حاضر به علت کنار گذاشتن

برخی از زمینه های معرفتی و فلسفی در وضعیت ابهام آمیزی قرار گرفته است و آنگونه که باید قادر به پاسخگویی به اهداف نهایی خود نیست . به

همین علت زمانی که اقتصاد اسلامی به عنوان یک مبحث آموزشی مطرح می شود لازم خواهد بود تا ارتباط متقابل آن با مباحث علمی مرتبط به خوبی

مشخص و برای دانشجو و پژوهشگر مفهوم گردد. اگر چه اقتصاد اسلامی ، همانگونه که گفتیم همواره در ارتباط با چهار محور معرفتی اساسی سر و

¹⁹ - این تقسیم بندی می تواند به تعبیری متخذ از فرمایش امام صادق (ع) باشد که علوم مردم را در چهار شاخه تقسیم نموده اند (به کلیات الخصال در بخش منابع مراجعه فرمائید).

کار دارد لکن هر یک از این مباحث خود به رشته های درسی خاصی تقسیم می گردد . برای مثال محور اعتقادی در رابطه با اقتصاد اسلامی به فلسفه اقتصاد ، اصول عقیدتی (هنجارهای حقوقی و فقهی آن) باز می گردد و رشته های آموزشی در این زمینه ، به پاسخ سئوالات و مسائل هنجاری علم اقتصاد کمک مینماید. این در حالی است که رشته هایی از علوم انسانی مثل اخلاق ، روانشناسی و یا جامعه شناسی می تواند در چارچوب محور علوم انسانی در علم اقتصاد دخیل باشد ، به همین ترتیب مباحث برنامه ریزی و سیاستگذاری در ارتباط با محور راهبردی اقتصاد اسلامی و نیز آمار و احتمال و سایر معارف تجربی در محور مطالعات علوم تجربی می تواند سهم موثری در شکوفایی این علم ایفا نماید.

برای اینکه بتوانیم تأکیدی عمومی مدرسین و محققین اقتصاد اسلامی را در رابطه با اهمیت نسبی هر یک از رشته ها ی مرتبط با اقتصاد اسلامی برآورد نمائیم از طریق یک پرسشنامه ، موضوعات پیشنهادی و موضوعات اقتصادی که با توجه به هدف آموزشی اقتصاد اسلامی می توان آن موضوعات را در برنامه آموزش میان رشته ای اقتصاد اسلامی ضروری تلقی نمود ، سئوالاتی را مطرح نمودیم.

جامعه آماری در این تحقیق مدرسین، پژوهشگران و دانشجویان دوره های تکمیلی که بنحوی با اقتصاد اسلامی سروکار داشته اند بوده است . تعداد نمونه در این تحقیق ، با توجه به جدول "کرجسی و مورگان" حدود 204 واحد و با توجه به غیر قابل استفاده بودن 20 مورد از پرسشنامه های دریافتی ، استناد تحقیق مربوط به 184 مورد می باشد.

به طور کلی در پژوهش از دو روش محاسبه آلفای کرونباخ²⁰ برای کل پرسشنامه و نیز محاسبه آلفای کرونباخ برای اجزای پرسشنامه در جهت پایایی مورد ملاحظه قرار گرفت که باتوجه به پایایی لازم در کلیه موارد ، قابلیت اعتماد نسبی نتایج مورد تایید قرار گرفت . در عین حال در این پژوهش باتوجه به روش مولفه های اصلی²¹ و نیز چرخش واریماکس²² در تحلیل عاملی، نتایج پرسشنامه ، مورد قبول واقع گردید.

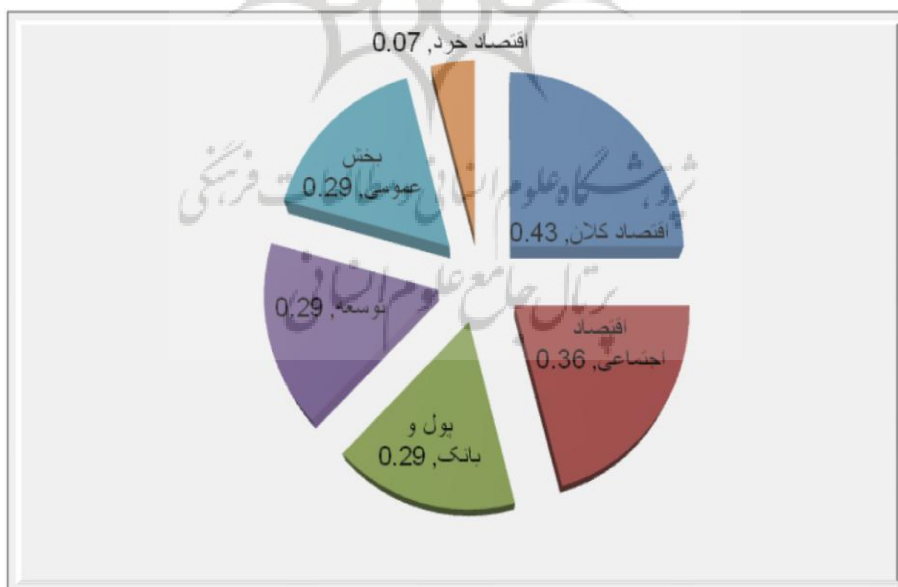
اگرچه با توجه به عدم امکان دسترسی به همه محققین و مدرسین اقتصاد اسلامی ، پرسشنامه ، در یک جامعه نمونه تکمیل گردید، لکن نتایج آماری این جامعه نمونه با توجه به این که اکثر مدرسین و محققین قدیمی و صاحب نظر اقتصاد اسلامی در آن شرکت داشته اند می تواند با توجه به نتایج مقدماتی ، ضرایب متوسطی از غلایق گروهی و روابط میان رشته ای مباحث دیگر را نسبت به اقتصاد اسلامی بر آورد نموده که البته این نسبت ها می

20 - Cronbach's alpha
21 - Principal components
22 - Varimax Rotation

تواند در طول زمان و افزایش واحدهای نمونه از دقت بیشتری برخوردار شود. طبق این بررسی ابتدا اهمیت اقتصاد اسلامی در اصلاح موضوعات علمی مرتبط با اقتصاد اسلامی و سپس اهمیت سایر رشته های مرتبط و ملتمزم با مبحث اقتصاد اسلامی مورد سؤال قرار گرفت.

در پاسخ به سؤال اول طبق نمودار 3 بیشترین تاکید بر روی مباحث اقتصاد کلان و سپس اقتصاد اجتماعی بود به طوری که ضریب اهمیت این دو مبحث به ترتیب 43 و 36 در صد محاسبه گردید ، پس از آن پول و بانک ، توسعه و اقتصاد بخش عمومی با ضریب اهمیت 29 درصد بیشترین تاکید را به خود اختصاص داد و در این مطالعه اقتصاد خرد کمترین تاکید ، یعنی با ضریب اهمیتی معادل 7 در صد م ورد محاسبه قرار گرفت و این موضوع قابل قبول است زیرا در اقتصاد خرد روابطی مثل هزینه متوسط یا هزینه متغیر و اکثر مباحث دیگر بیشتر جنبه اثباتی داشته و کمتر در اصطکاک مستقیم با مفاهیم اقتصاد اسلامی قرار می گیرد . در این مطالعه اگرچه می توانستیم برخی مباحث مثل پول و بانک و یا توسعه را درهم ادغام نمائیم لکن با توجه به مشخص بودن اهمیت نسبی مباحث تخصصی، محاسبه ضرایب اهمیت به همان ترتیبی که پاسخ دهندگان اظهار نموده بودند مورد برآورد قرار گرفت.

نمودار 3- ضریب اهمیت اقتصاد اسلامی در بهبود محتوی رشته های مرتبط



ماخذ: نتایج پرسشنامه از اساتید و محققین اقتصاد اسلامی²³ در سال 1388

²³ - اعضاء انجمن اقتصاد اسلامی ایران در اجلاس سال 1388 و مدرسین و محققینی که بعدا پرسشنامه را تکمیل نمودند.

از طرف دیگر اقتصاد اسلامی به عنوان یک مبحث میان رشته ای صرفاً اثر گذار بر رشته های دیگر نیست بلکه خود با توجه به اثر پذیری از رشته

های دیگر به تعمیق مفاهیم و بهبود روشها در ساختار و شیوه های سیاستگذاری بهره برداری

خواهد نمود. به این ترتیب در پرسشنامه ، سؤال دیگری در رابطه با رشته هایی که بنحوی می تواند در مفاهیم اقتصاد اسلامی ، دانشجو و فراگیرنده

را یاری رساند مورد پرسش قرار گرفت . در واقع این که چه مباحثی مستقیماً در مفاهیم بهتر اقتصاد اسلامی می تواند موثر ا فند و به صورت پیشنهادی یا

همزمان با مبحث اقتصاد اسلامی باید تدریس شود ، سؤال دیگری بود که نتایج آن طبق نمودار 4 می تواند مورد ملاحظه قرار گیرد.

طبق این مطالعه اقتصاد عمومی و اقتصاد کلان بیشترین ضریب اهمیت را به خود اختصاص داده است ، به طوری که ضریب اهمیت این مباحث 71

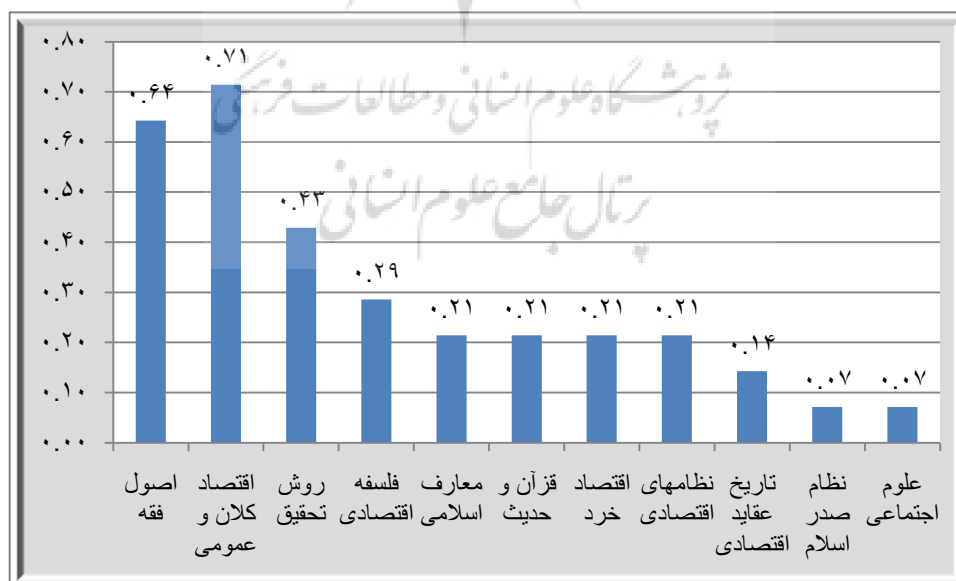
در صد محاسبه شده است . پس از این مورد اصول فقه همچنان به عنوان مهمترین رشته آموزشی با ضریب اهمیت 64 در صد بیشترین استلزام آموزشی

برای ورود و یا تعلیم اقتصاد اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است.

روش تحقیق و فلسفه اقتصادی به ترتیب با ضرایب اهمیت 43 و 29 درصد از جایگاه مهمی در تبادل میان رشته ای با اقتصاد اسلامی برخوردار

است و سایر مباحث با ضرایب اهمیتی که در نمودار 5 مشخص شده است ، متوسط نظرات پاسخ دهندگان را مشخص نموده است.

نمودار 4- ضریب اهمیت سایر رشته های مرتبط با اقتصاد اسلامی



ماخذ: نتایج پرسشنامه از اساتید و محققین اقتصاد اسلامی در سال 1388

البته باید توجه داشت که توزیع میان رشته ای فوق در رابطه با اقتصاد اسلامی همزمان دروس و مباحث دیگری را نیز که به عنوان پیشنهادهاى ثانویه

هر یک از این رشته ها تلقی می شود ، در بر خواهد گرفت . برای مثال برای ورود به اقتصاد خرد مباحث ریاضیات و آمار و نیز برای سایر مباحث

پیشنهادهاى مربوطه را باید در نظر گرفت.

اکنون می توان با توجه به کلیه مباحث اولیه و ثانویه میان رشته ای اقتصاد اسلامی و با فرض الگوی فوق به عنوان یک الگوی مرجح اسلام ی ، کلیه

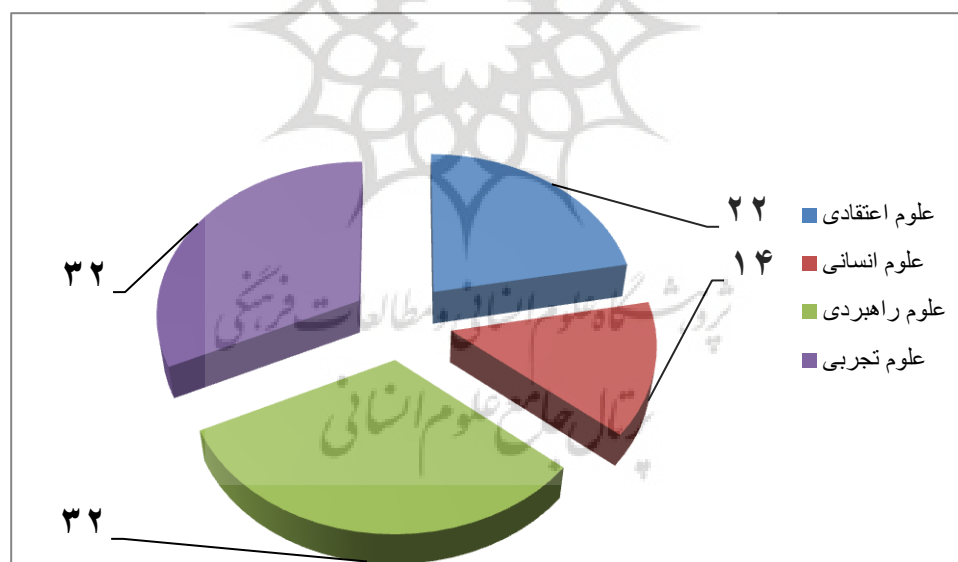
مباحث اولیه و ثانویه را در قالب محور های چهار گانه مباحث اقتصاد اسلامی طبقه بندی نمود و توزیع محور های اساسی را با آنچه در محافل آموزشی

و پژوهشی غرب²⁴ می گذرد مقایسه نمود.

ابتدا کوشش نمودیم تا رشته های ترجیحی اعضاى انجمن اقتصاد اسلامی را در قالب محور های چهار گانه پیش گفته مورد طبقه بندی قرار دهیم ،

نتایج پرسشنامه به صورت زیر طبق نمودار 5 استخراج گردید :

نمودار 5 - توزیع محورهای میان رشته ای در نگرش مدرسین و محققین اقتصاد اسلامی



ماخذ: نتایج پرسشنامه از اساتید و محققین اقتصاد اسلامی در سال 1388

همان طور که مشاهده می شود محور های علوم راهبردی و علوم تجربی بیشتر از موارد دیگر با ضریب اهمیت 32 در صد، مورد تاکید قرار گرفته ، در

حالیکه علوم اعتقادی و علوم انسانی به ترتیب با ضریب اهمیت 22 و 14 درصد محاسبه شده است . این مسئله در حالی است که با مراجعه به

طبقه بندی موضوعی انجمن اقتصادی آمریکا که بنظر می رسد مشهور ترین طبقه بندی موضوعی مرتبط با علوم اقتصادی را انجام می دهد ، توزیع محور های چهار گانه به صورت نمودار 6 محاسبه گردید .

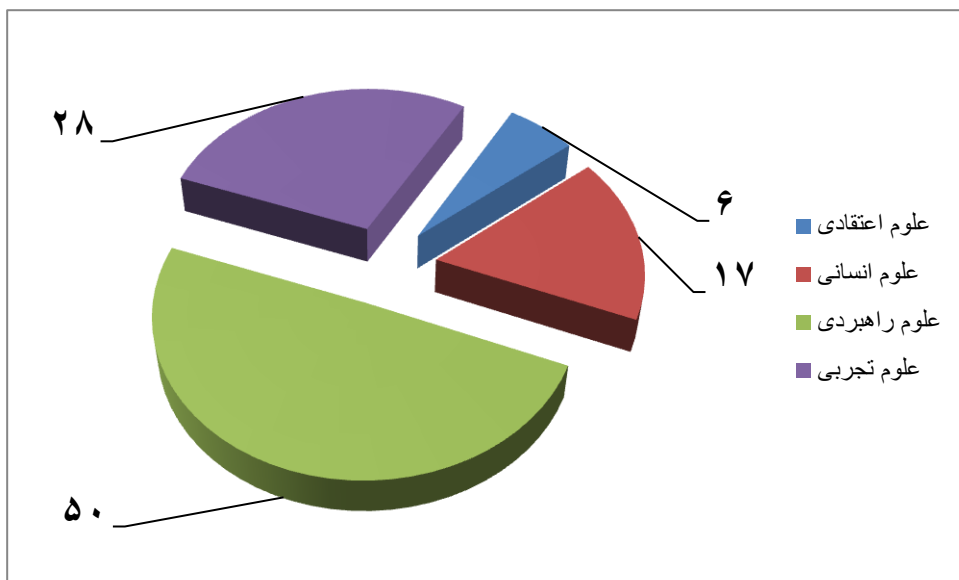
البته علوم اعتقادی در طبقه بندی مباحث اقتصادی در فهرست ارائه شده غربی مسلماً همان مطالب درسی که در اقتصاد اسلامی مطرح نظر است نیست بلکه در محاسبه مربوط به این محور هر گونه مطالب مربوط به اصول موضوعه (اکسیومهای) پذیرفته شده و هنجارهای مکتبی در مباحث اقتصادی را در این محور منظور نموده ام.

همانگونه که مشاهده می شود در توزیع محور های میان رشته ای در مراکز علمی غربی بیشترین تأکید بر رشته های راهبردی اقتصادی با ضریب اهمیت بسیار بالا در حد 50 درصد برآورد گردیده است و این در حالی است که تأکید بر محور علوم اعتقادی بسیار اندک و تنها در حد 6 درصد محاسبه شده است . همچنین علوم تجربی و علوم انسانی در مراکز علمی غربی از موفقیت نسبتاً متعادلی به ترتیب با ضرایب اهمیت 28 و 17 درصد برآورد گردیده است .

نکته مهم در این بررسی هماهنگی اکثر دانشکده های اقتصاد داخلی از استانداردهای غربی است و بنظر می رسد این دانشکده ها بر اساس یک رویکرد آموزشی چند رشته ای موازی و نه میان رشته ای با فرآیند آموزشی اقتصاد سر و کار دارند.

شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نمودار 6 = توزیع محورهای میان رشته ای در طبقه بندی . EconLit

پرتال جامع علوم انسانی



ماخذ: EconLit. Classification codes , Updated 2/2009



نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

در حال حاضر همان طور که در مقاله ذکر گردید اکثر دانشکده های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران بیشتر بر اساس درسنامه ها و استانداردهای آموزشی غربی عمل می نمایند. در عین حال رویکرد آموزشی در همه این دانشکده ها مبتنی بر چند رشته ای موازی است و به طور کلی محوریت اقتصاد اسلامی نه تنها مطرح نیست بلکه اکثرا حتی مبحث اقتصاد اسلامی را به عنوان یک رشته در کنار رشته های دیگر نپذیرفته اند. مشکل اصلی در این میان عدم وجود هماهنگی و پیگیری در رابطه با تنظیم رئوس مطالبی است که در یک یا دو درسنامه فراگیر و پویا با امکان رقابت علمی تحت عنوان اقتصاد اسلامی باید مطرح شود. در صورتی که در این راستا نهاد های علمی متخصصی با حمایت وزارت علوم عهده دار این وظیفه شو ند، در این صورت اولین گام در رسیدن به یک فرآیند میان رشته ای در اقتصاد اسلامی برداشته شده است ولی باید توجه داشت که گام دوم و در واقع گام مهمتر این نهاد تخصصی، حرکت به سوی نظام آموزشی و پژوهشی میان رشته ای در اقتصاد اسلامی است.

اگرچه رسیدن به چنین مقصدی تا حدود زیادی مشکل بنظر می رسد لکن در صورت توجه به فوایدی که این فرآیند آموزش ی در بر خواهد داشت این امید وجود دارد که مسئولان آموزش عالی کشور این مسئله را در دستور کار خود قراردهند. همان طور که گفته شد امروزه پیچیدگی روزافزون سیستم های اجتماعی و بین المللی بخش آموزشی و پژوهشی را وادار می سازد تا با حفظ محوریت اقتصاد اسلامی نگرشی علمانه نسبت به مسائل و روشهای علمی مرتبط و متعدد دنیای پیرامون خود داشته باشد. علاوه بر این کارآیی اقتصادی اقتضی می نماید که همزمان با شناخت اقتصاد اسلامی ، سیستم های دیگری چون معارف دینی ، اجتماعی و حتی تجربی و نیز سیستم های اقتصادی شرقی و غربی را با نگاهی نقادانه مورد تامل قرار داد زیرا این مفاهیم امروزه چنان به هم پیوند خورده اند که رویکرد رشته ای مجزا و منزوی از آنها به نوعی اشتباه پایه ای و خطرناک و به بروز بدعتها و توهمات کاملاً بی ریشه و آسیب زا در روند توسعه اقتصاد بومی دامن می زنند.

نکته مهم دیگر هدفمند سازی معارف و علوم دینی است به طوری که بتواند سهمی معنی دار، در رابطه با اقتصاد اسلامی در اختیار دانشجو قرار

دهد.

منابع و پی نوشت:

قران کریم

1. انصاری ، شیخ مرتضی (1281-1214) ، مکاسب ، مطبوعات دینی ، 1366
2. پیغامی ، عادل، درآمدی بر طراحی برنامه های درسی با تاکید بر رویکردهای تلفیقی، پایگاه اطلاعاتی دانشگاه امام صادق(ع) (بی تا)
3. حاجی یوسفی ، امیر محمد (1388)، میان رشتگی در علوم سیاسی در دانشگاه های کانادا: مفهوم واجرا، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ، سال اول ، شماره 2 بهار 1388
4. حشمتی مولائی ، حسین (1359)، نظریه ای بر اقتصاد اسلامی ، انتشارات یاسر ، مهر 1359
5. رولاند، اس. (1387) ، "میان رشتگی" ، در سید محسن علوی پور و دیگران، مبانی نظری و روش شناسی مطالعات میان رشته ای ، تهران :

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

6. كليات الحصاص ، تاليف ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (382-305 ه.ق.)، باب الاربعه، حديث 87 ،
انتشارات علميه اسلاميه، تهران ، بي تا.(قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: وجدت علم الناس كلهم في اربع ، اولها ان تعرف ربك والثاني ان
تعرف ما صنع بك والثالث ان تعرف ما اراد منك و الرابع ان تعرف ما يخرجك من دينك)
7. American Economic Association , EconLit. Classification
codes , Updated 2/2009
8. Drake, S.M. (1993), Planning integrated curriculum: the call
to adventure, Alexandria, VA:
Association for Supervision and Curriculum Development.
9. EconLit. Subject Descriptors, American Economic Association
, Updated 2/2009
10. Mann, Susan. (2001), Interdisciplinary for the
university of Ottawa, cited in Ref. No.4
11. Mohamed, A.H., Ruzita, M.A. (2005). "Teaching Islamic
Economics in Malaysian Universities: Lesson from Department
of Economics.", 6th International conference on Islamic
Economics and Finance , Jakarta
12. Streeten, Paul , (2007) , "what's wrong with
contemporary economics", interdisciplinary science review ,
Revista de Economía Institucional, Vol. 9, No. 16, 2007
13. Youngblood, Michael J. (2004), An Interdisciplinary
approach to teaching Economics: Microeconomics and
Sociology, Submitted to The Journal of Economic Education
on October 25th, 2004.